



معصومه زارع کهن

فرهنگ لغت را که ورق بزیند و برسد به حرف (ز) و بگردید دنبال معنای واژه زاهو، در ذیل واژه نوشته شده است: «زنی که تازه زایمان کرده، زن نو زاییده و...» (ذیل واژه: فرهنگ دهخدا). رمان آخر آقای یوسف علیخانی به همین نام است، «زاهو» نام رمان برای چند لحظه‌های هم که شده مخاطب را به فکر فرو می‌برد. زاهو اگر کمی تخصصی‌تر بیندیشیم و سراغ واژه‌های جنسیتی برویم این واژه کاملاً زنانه است (تک: سارا میلز) و حتی گاهی در برخی از مناطق کشورمان از زمره واژگانی است که باید در لافچه پیچیده و استفاده شود و در پیچ‌های درگوشی زنان گفته می‌شود. در حالت کلی واژه به خودی خود شرم و حیایی در پس خود دارد. از منظر دیگر این واژه بسیار بار معنایی مثبتی دارد و زایش و به‌وجود آمدن و جوانه‌زدن و امید را می‌توان در پس این واژه دید. حالا چرا نویسنده این نام را برگزیده؟ باید برویم سراغ رمان زاهو و همراه شویم با واژگان کتاب تا رمز گشایی کنیم این نام را. نویسنده کتاب با آگاهی و مطالعه فراوانی که درباره ادبیات عامه دارد - خصوصاً ادبیات عامه زادگاهش - به خوبی توانسته است فرهنگ و آداب و رسوم خطه الموت را با تفاوت‌های مکانی روستاهایی که دارند به تصویر بکشد. در آثار پیشین نویسنده علاقه و وابستگی به فرهنگ زادگاهش کاملاً مشهود است و به‌نظر می‌رسد این عشق نه آن نویسنده‌گی ابتدا برای خالق اثر در رمان خاما شکل گرفت و زاهو او را از عشق لبریز کرد. عشق و لذت بردن از قصه‌گویی و روایت واقعیت و تخیل در زاهو بسیار اوج گرفت و این به‌نظر می‌رسد رنسانس (نوزایی) نویسنده است. ابتدا سراغ بن‌مایه‌های اصلی رمان یا همان «موتیوهاموتیف‌ها» برویم: ۱- نقش مهم و حیاتی آب و کمبود آن که از دیرباز تا به امروز گریبان‌گیر بشر است و نبود آب و ویرانی‌هایی که به بار می‌آورد و حتی سرنوشت افراد را تغییر می‌دهد در این رمان بسیار زیبا و تأمل‌برانگیز بیان شده است. ۲- از عناصر بسیار مهم دیگر در همه آثار آقای علیخانی به‌خصوص در رمان زاهو حضور پررنگ زنان است. زنان در آثار او، زانی خانه‌نشین نیستند، زنان فعال و بسیار با اقتدار هستند که در راه اهداف خود تلاش می‌کنند. ۳- طبیعت، صدای پرندگان، پروانه‌ها، سگ‌ها، مارها، اسب‌ها و احشام و... از نشان‌های مهم دیگر آثار این نویسنده است. ۴- نویسنده در این اثر به رئالیسم جادویی طبعی زده و داستان‌های فولکلوری را که سینه‌به‌سینه به او رسیده، بسیار دقیق و به‌جا استفاده کرده است. ۵- نکته مهم دیگر حفاظت از محیط زیست است که در این رمان به خوبی بیان شده: «تندی دو مشت آب نرم به صورت م و بعد دست کشیدم به خیسوی صورت. آب با شوروی صورت می‌کشد و رفت توی دهانم. آب دهانم را جمع کردم پرت کنم توی دریاچه که پادم افتاده به چشم‌های توی آب. تف نکن به آب. چه مانعی دارد؟» آب توره نفرین‌کننده. - چرا خوب؟ - بگویم من صورت توره تمیز بگردم و تو تف نکنی توی صورت من» (علیخانی، ۱۳۰۰: ۲۰۲).

۶- خانواده: این رمان خانواده و همکاری افراد خانواده و احترام جایگاه محترمی دارد. ۷- جابه‌جایی مرز بین خیال و واقعیت بدون اینکه خواننده را آزار دهد از دیگر نقاط قوت رمان بود. ۸- جابه‌جایی زمان صحیح و بیجا بود و خط سیر داستان گم نمی‌شد. ۹- امروزه برخی منتقدان بر این باورند که ربط زانشویی باید کمی صریح بازگو شود اما من این باور را نمی‌پذیرم و احترام به حریم شخصی شخصیت‌های رمان هر چند واقعی نباشند بسیار برایم مهم است. در این رمان نویسنده به حریم شخصی شخصیت‌هایش احترام گذاشته و با اشاراتی از این حریم عبور کرده است. ۱۰- آنچه از این رمان در ذهن نقش می‌بندد رنگ است و رنگ است و رنگ و آب است و آب است و آب. با یافتن موتیوهایی می‌توان رمز کتاب نام را گشود. این کتاب روایت یک زندگی است و زندگی‌مانند و امید و زایشی نو هر چند سخت و طاق‌فراسا و دردناک و در انتها شنیدن گریه‌ای از شوق آمدن، ماندن و جوانه‌زدن. این کتاب مانند یک نقاشی است زیرا سرشار از رنگ است و سراسر از زندگی.

منابع: ۱- فرهنگ دهخدا/ ۲- میلز، سارا. ۱۳۶۶. گفتمان. ترجمه فتحان محمدی. تهران: بید گل - ۳- علیخانی، یوسف. ۱۳۰۱. زاهو. تهران: آموست.



کتاب «ده داستان برای سیمرغ» شامل ۸ داستان کوتاه به نام‌های «کلینیک»، «راضیه مهدی زاده»، «بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر» از شقایق بشیرزاده، «بعد، تو»، «از مریم عزیزخانی، «مادرم نخل است»، «از شیمیا محمدزاده مقدم، «سینه سیاه» از معصومه قدردان، «عروس عاشورا» از حامد اناری، «دین پسر صددرصد نامطلوب در عصر دلگلیگر ماه آبان» از سولماز اسعدی و «روح دایناسورها» از جواد دهنوخلجی است. داستان‌های این کتاب، مانند بیشتر مجموعه‌های داستانی مشابه، با نویسندگان متفاوت، از تنوع موضوع، سبک و لحن برخوردار است، اما وجه مشترک بیشتر آنها، وجود راوی اول شخص و جهان‌مایه محلی - بومی است.

در گفت‌وگو با هدیّه گرامی مقدم بررسی شد؛

جای خالی رمان‌های حقوقی در ادبیات داستانی ایران

نسبت تعداد وکلادر ایران به جمعیت یک به ۱۶۰۰ است



آرمان ملی - بیتاناصر: ژانر جنایی را بار اگاه‌های تیبیکالکش به خاطر می‌آوریم؛ از هر کول پوآر و تاشر لوک هلمز و کمیسر مگره، شخصیت‌هایی با عادت‌ها و تیک‌های خاص که اغلب در حل پرونده پیروز هستند و هموار داستان باهوش بسیار کار آگاهش همراه است. اما به نظر می‌رسد که ژانر حقوقی تصویر منطقی تری را نشان می‌دهد. این ژانر با نویسندگان مطرحی همچون هارپر لی، ضمن بررسی داستان جنایی، معمایی، پلیسی و با جنایی پلیسی، تصویری چندسویه از روند دادرسی، دغدغه‌ها و مسائل حقوقی جامعه، مراحل قانونی، مذاکرات هیات منصفه یا زندگی خصوصی داستان، و کلاوشاکی ارائه می‌دهد. هدی‌ه گرامی مقدم، متولد ارادیه‌شهرت ۱۳۶۶ در اندیمشک و فارغ التحصیل رشته الکترونیک در مقطع کارشناسی ارشد است. به تازگی ترجمه کتاب‌های «آرامش ابدی سارا» نوشته رابرت در ژانر جنایی و «آتش پنهان» نوشته پائولا هاولکینز در ژانر جنایی معمایی - حقوقی از او و به همت نشر آموت راهی بازار کتاب شده است. با گرامی مقدم درباره تفاوت‌ها و ویژگی‌های ژانر جنایی و حقوقی گفت‌وگو می‌کنیم.

حقوقی برای نویسندگان ایرانی عاملی بازدارنده باشد، نیاز به تحقیقات فراوان با جزئی‌نگری دقیق و وسواس گونه و کسب اطلاعات واقعی است. جنایت را می‌توان تخیل کرد اما راه مقابله با آن باید بر پایه قوانین واقعی حقوقی باشد. هر چند با علاقمانی که مخاطبان ایرانی به ژانر حقوقی نشان داده‌اند، احتمالاً به زودی کتاب‌های جذاب و قوی از نویسندگان ایرانی در این ژانر ارائه می‌شود.

ترجمه آثار چه چالش‌هایی را می‌تواند برای مترجم ایجاد کند؟ کسی از تجربه شخصی‌تان، خصوصاً ترجمه رمان «آرامش ابدی سارا» که اخیراً از شما به انتشار رسیده بگویید.

در دهه‌های گذشته از مترجمان بزرگی همچون نجف دریابندی، محمد قاضی و ذبیح... منتهی به‌رهمند بودیم که نام هر کدامشان بر جلد کتاب به معنی تایید یک اثر بود. این درحالی‌ست که امروزه در بازار کتاب با انبوهی از آثار ترجمه‌ای بی‌کیفیت از مترجمانی تازه‌کار روبه‌رو هستیم. شرایط امروز ادبیات ترجمه‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در هر شغلی افراد تازه کاری هستند که کیفیت کار بالایی ندارند. قاعدتاً اگر مترجم نتواند ترجمه‌ای با کیفیت مطلوب ارائه دهد، مردم او را کنار می‌گذارند. خواننده‌ها و مخاطبین ما، کتاب‌خوان‌های زیرک و نکته‌سنجی‌اند که به خوبی می‌توانند در این زمینه تصمیم بگیرند. شما در آخرین اثر ترجمه‌ای خود سراغ آخرین اثر داستانی پائولا هاولکینز به نام «آتش پنهان» رفته‌اید؛ نویسنده‌ای که پیش‌تر با رمان «دختری در قطار» با فروش ۲۳ میلیون نسخه‌ای، به شهرت جهانی دست یافت. از ویژگی‌های داستان نویسی هاولکینز بگویید.

در کتاب‌های خانم پائولا هاولکینز، تنها با یک راوی رو به‌رو نیستیم. داستان‌ها از دید چند شخصیت اصلی روایت می‌شود و این شخصیت‌ها آنرا خانم هستند. خانم هاولکینز در رمان‌هایش به مشکلاتی مثل مواد مخدر، الکل و فروپاشی خانواده‌ها می‌پردازد. هیچ کدام از شخصیت‌های هاولکینز قهرمان یا خوب مطلق نیستند. به واسطه مشکلاتی که در گذشته برای این افراد پیش آمده، روح و گناه جسم‌شان زخم دیده است؛ یعنی هر یک از آنها درست مثل مردم معمولی هم بعد مثبت و هم بعد منفی دارند.

رمان «آتش پنهان» را در مقایسه با دیگر آثار ترجمه‌ای‌تان چگونه می‌بینید؟ با توجه به موفقیت دو ترجمه قبلی من در نشر آموت، که هر دو ژانر جنایی داشتند، برای سومین ترجمه باز هم به سراغ همین ژانر رفتم و رمان آتش پنهان را انتخاب کردم. اما این کتاب، با دو کتاب قبلی تفاوت‌هایی داشت. در کتاب «جاده رستگاری»، قهرمان اصلی داستان «الیزابت بلک» و در کتاب «آرامش ابدی سارا» قهرمان اصلی داستان «تریسی کراس‌وایت»، پلیس جنایی‌اند، اما در «آتش پنهان» شخصیت‌های اصلی کتاب همگی جز مظنونان اصلی قتل صورت گرفته و از شهروندان معمولی‌اند. به همین دلیل در کتاب «جاده رستگاری»، روند حل ماجرا از دید پلیس‌ها و در کتاب «آرامش ابدی سارا»، پروسه پیدا کردن قاتل از دید یک پلیس و یک وکیل پیش می‌رود. ولی در «آتش پنهان» با افرادی خاکستری مواجهیم که هر کدام دوست دارند به نوعی خود را از فردی عزیز یا حتی شیء گرانبه‌ای از دست می‌دهند چطور با هم اجباری است، نسبت و کلا به جمعیت این کشور، تقریباً یک به ۱۶۰۰ است. در حالی که در کشور ما این نسبت، حدوداً یک به ۱۶۰۰ است. به همین نسبت هم اهمیت و کالت، میزان شناخت مردم مسا از این شغل و ارزشمندی آن در یک زندگی امروزی کمتر است. پس قاعدتاً این ژانر برای کسانی نویسنده آمریکایی بسیار جذاب‌تر است تا یک نویسنده ایرانی.

نسبت تعداد وکلادر ایران به جمعیت یک به ۱۶۰۰ است. به همین نسبت هم اهمیت و کالت، میزان شناخت مردم مسا از این شغل و ارزشمندی آن در یک زندگی امروزی کمتر است. پس قاعدتاً این ژانر برای کسانی نویسنده آمریکایی بسیار جذاب‌تر است تا یک نویسنده ایرانی. موضوع دیگری که شاید در امر نوشتن کتاب‌های

قبلی، آقایی بودند که در دوره‌ای به حرفه و کالت پرداخته‌اند و این موضوع تا حدودی در نوع روایت داستان‌ها نشان به چشم می‌خورد اما نویسنده رمان «آتش پنهان» خانم «پائولا هاولکینز»، روزنامه‌نگار است.

شخصیت‌های اصلی هر سه کتاب، خانم‌هایی‌اند که همگی به نوعی آسیب دیده‌اند. اما الیزابت بلک و تریسی با وجود این آسیب‌ها همچنان قوی‌اند و تکیه‌گاه دیگر شخصیت‌های داستان‌شان می‌شوند. اما در کتاب «آتش پنهان»، ضغف‌ها و بعد منفی این افراد بیشتر به نمایش درآمده است. همین ضغف‌ها باعث می‌شود با احساسات ضد و نقیضی با آنها همراه شویم؛ گاهی از آنها متنفر شویم، دلمان به درد بیاید، دلمان برایشان بسوزد یا حتی دوستشان بداریم.

همان‌طور که اشاره شد، جان هارت و رابرت دوگونگی در دوره‌ای حرفه و کالت را در اختیار گرفته و به پائولا هاولکینز روزنامه‌نگار است. به عنوان مثال تریسی با وجود این آسیب‌ها همچنان قوی‌اند و تکیه‌گاه دیگر شخصیت‌های داستان‌شان می‌شوند. اما در کتاب «آتش پنهان»، ضغف‌ها و بعد منفی این افراد بیشتر به نمایش درآمده است. همین ضغف‌ها باعث می‌شود با احساسات ضد و نقیضی با آنها همراه شویم؛ گاهی از آنها متنفر شویم، دلمان به درد بیاید، دلمان برایشان بسوزد یا حتی دوستشان بداریم.

معرفی کتاب

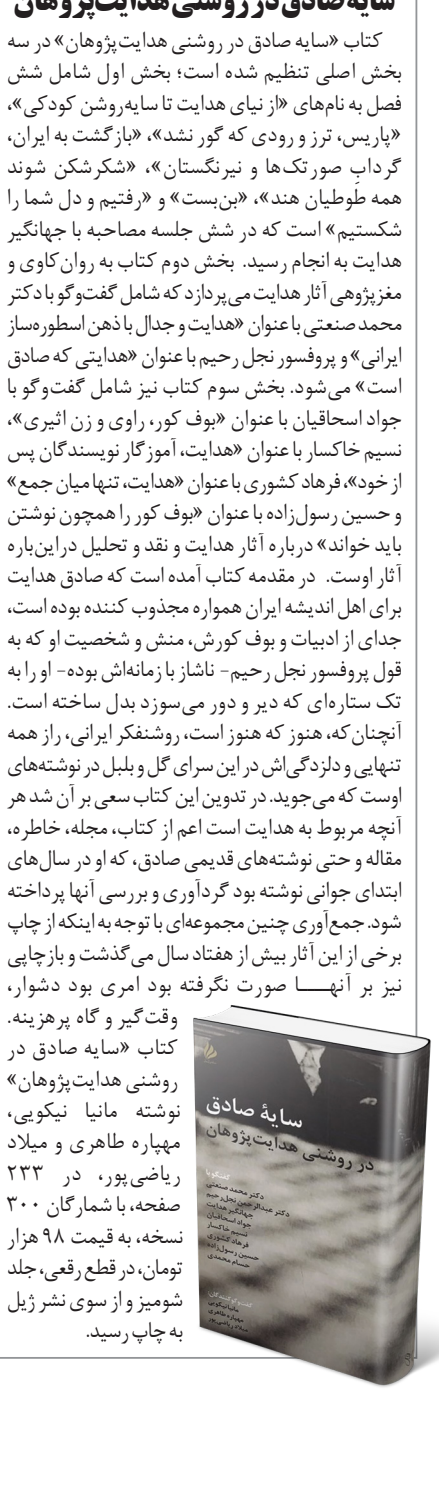
چند نکته در باره نمایشگاه کتاب مصطفی بیان نویسنده و منتقد



نمایشگاه کتاب تهران، یک جشن بزرگ فرهنگی است. یک رویداد بزرگ که سالی یک بار همه نویسندگان، مترجمان، ناشران و دست‌اندرکاران حوزه کتاب و فرهنگ و ادب را به مدت ۱۰ روز در اردیبهشت ماه گرد هم می‌آورد. دو سال به خاطر ویروس کرونا، نمایشگاه به صورت حضوری برگزار نشد و در این دو سال علاوه بر شیوع ویروس همه‌گیر کرونا، شاهد افزایش سرمایه‌های فصلی تخفیف کتاب (طرح بهار، تابستانه، پاییزه و زمستانه) و برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب تهران (بهمین ۱۳۹۹) بودیم که الحاق و الاضاف با استقبال خوب خوانندگان و علاقه‌مندان به کتاب مواجه شد و برگزاری مجازی نمایشگاه کتاب تهران یک تجربه خیلی خوب بود. امسال که بعد از دو سال شاهد برگزاری حضوری نمایشگاه کتاب تهران هستیم، در چند روز گذشته متوجه شدیم که برخی ناشران معتبر کشور به همراه حمایت از کتابفروشان از حضور در نمایشگاه کتاب تهران انصراف دادند. من به عنوان یک خواننده کتاب و نه به عنوان یک نویسنده و دبیر انجمن داستان نویسی، معتقدم که نمایشگاه کتاب یک رویداد بزرگ فرهنگی و جشن کتاب است. در شرایطی که شاهد کاهش شمارگان کتاب و عدم تمایل ناشران به خرید کتاب هستیم، با برگزاری این گونه جشن‌ها و گردهمایی‌ها می‌توانیم این علاقه و تمایل را در خانواده‌های ایرانی و در نتیجه در کودکان، نوجوانان و جوانان ایرانی فراهم بیآوریم. نکته دوم این است که برگزاری نمایشگاه کتاب، فرصتی است برای خوانندگان و مخاطبان کتاب تا از نزدیک با نویسندگان، شاعران و مترجمان مورد علاقه‌شان ارتباط برقرار کنند؛ درحالی که این شرایط در کتابفروشی‌های مراکز استان‌ها و حتی در کتابفروشی‌های شهرهای کوچک مهیا نیست؛ نکته سوم این است که نمایشگاه کتاب، فرصتی برای اهالی قلم، نو قلمان، نویسندگان، شاعران و مترجمان تا از نزدیک با مدیران و دست‌اندرکاران ناشران ارتباط برقرار کنند و با عقد قرارداد و یا ایجاد دیدار همی در انتقال تجربیات با یکدیگر همکاری و تبادل داشته باشند. نکته آخر اینکه در نمایشگاه کتاب تهران از اهمیت بسیار برخوردار است. حمایت از کتابفروشی‌ها نیز باید در اولویت مدیران، انجمن ناشران و وزیر محترم فرهنگ قرار بگیرد. به هر حال چراغ فرهنگ‌هنر هر شهر و روستایی، کتابفروشی‌های آن منطقه است. برگزاری رویدادهای بزرگ فرهنگی در پایتخت نباید باعث خاموشی چراغ کتابفروشی‌های شهرهای کوچک‌تر و روستاها شود. پیشنهاد من این است که در کنار برگزاری نمایشگاه‌های کتاب در تهران و مراکز استان‌ها، از طرح‌های تخفیف فصلی کتاب حمایت بیشتری بشود. به عنوان مثال تخفیف ۳۰ درصدی برای کتاب‌های ایرانی و تخفیف ۱۰ درصدی برای کتاب‌های ترجمه‌شده منظور شود؛ همچنین افزایش سقف بن خرید کتاب صورت بگیرد. امید است با حمایت از نمایشگاه‌های حضوری و مجازی کتاب در سراسر کشور و نیز طرح‌های فصلی تخفیف کتاب در پایان هر فصل برای کتابفروشی‌ها، شور و نشاط در جامعه آگاهی و در نتیجه افزایش سرانه مطالعه کتاب در کشورمان، به امرغان بیاید.

معرفی کتاب

سایه صادق در روشنی هدایت پژوهان کتاب «سایه صادق در روشنی هدایت پژوهان» در سه بخش اصلی تنظیم شده است، بخش اول شامل شش فصل به نام‌های «از نیای هدایت تا سایه روشن کودکی»، «پاریس، ترز رودی که گور نشد»، «بارگشت به ایران، گرداب صورت‌تکا و نیرنگستان»، «شکر شکن شوند همه صوابان هندی»، «بیربست» و «رقیم و دل شما را شکستم» است که در شش جلسه مصاحبه با جهانگیر هدایت به انجام رسید. بخش دوم کتاب به روان‌کاوی و مغزپژوهی آثار هدایت می‌پردازد که شامل گفت‌وگو با دکتر محمدصنعتی با عنوان «هدایت و چالش با ذهن نمایشگاه‌ساز ایرانی» و پروفسور نجل رحیم با عنوان «هدایتی که صادق است» می‌شود. بخش سوم کتاب نیز شامل گفت‌وگو با جواد اسحاقیان با عنوان «بوف کور، راوی و زن اثیری»، نسیم خاکسار با عنوان «هدایت، آموزگار نویسندگان پس از خود»، فرهاد گدیز با عنوان «هدایت، نتایج مبان جمع» و حسین رسول زاده با عنوان «بوف کور را همچون نوشتن باید خواند» درباره آثار هدایت و نقد و تحلیل در این باره قرار آید. کتاب «سایه صادق در روشنی هدایت پژوهان» به گونه‌ای است که در دو دور می‌سوزد بدل ساخته است. آنچنان‌که، هنوز که هنوز است، روشنفکر ایرانی، راز همه تنهایی و دلزدگی‌اش در این سراسر گل و بلبل در نوشته‌های اوست که می‌جوید. در تدوین این کتاب سعی بر آن شده آنچه مربوط به هدایت است اعم از کتاب، مجله، خاطره، مقاله و حتی نوشته‌های قدیمی صادق، که او در سال‌های ابتدای جوانی نوشته بود گردآوری و بررسی آنها پرداخته شود. جمع‌آوری چنین مجموعه‌ای با توجه به اینکه از چاپ برخی از این آثار بیش از هفتاد سال می‌گذشت و بازچاپ نیز بر آنها صورت نگرفته بود امری بود دشوار، وقت گیر و گاه پرهزینه. کتاب «سایه صادق در روشنی هدایت پژوهان» نوشته مانیآ نیکیویی، مهپاره طاهری و میلاد ریاضی پور، در ۲۳۳ صفحه، با شمارگان ۳۰۰ نسخه، به قیمت ۹۸ هزار تومان، در قطع رقعی، جلد شومیز و از سوی نشر ژیل به چاپ رسید.



رابط دوگونگی، آرامش ابدی سارا، جاده رستگاری، هدیه گرامی مقدم، زوروشن‌های نیاسوپورک ایدر